

نظریه عدالت اجتماعی

«انسان به حکم فوسیس، موجودی است که برای زندگی در پولیس آفریده شده است.» (ارسطو، سیاست)

عموم فلاسفه معتقدند که انسان موجودی اجتماعی است، در وجود و بقایش نمی‌تواند به ذات خود اکتفا کند و زندگی‌اش جز به اجتماع و تعاون و تمدن ممکن نیست. اما انسان مختار است و مختاریت در طبع اوست و افراد انسان به طور فطری درصدد کسب ضروریات زندگی و امیال خودند و در برابر هرآنچه که مزاحم و معارض تأمین لوازم حیات و امیالشان باشد می‌ایستند. از این رو برای جلوگیری از آشوب و مشوش شدن امر حیات انسانی به سنت، ناموس، قانون و سیاستی برای تقسیم و تخصیص لوازم حیات انسان نیاز است تا به عدالت حکم دهد. اما عدالت چیست و چگونه باید آن را محقق کرد؟ به ویژه، اگر انسان، اجتماعی است آن‌گاه عدالت در مقیاس اجتماع چه خواهد بود و چگونه اقامه خواهد شد؟ پرونده پیش رو، در دو بخش به این پرسش پرداخته است. در بخش نخست، سیدمهدی زریباف عدالت اجتماعی را در عدالت تنظیمی می‌جوید و جمیله علم‌الهدی عدالت تربیتی را مغز عدالت اجتماعی دانسته است. جواد حیدری با رجوع به آرای تامس نیگل به دنبال عدالت در جهان آکنده از نابرابری‌هاست. در بخش دوم پرونده، به بهانه چاپ کتاب «بازاندیشی عدالت اجتماعی؛ چیستی، چرایی و قلمرو»، اثر جدید حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد واعظی، خلاصه‌ای از این کتاب آمده که از سوی نویسنده تنظیم شده و سپس از زوایای مختلف فلسفی، اجتماعی، سیاسی و فقهی به نقد و بررسی این اثر عدالت‌پژوهانه پرداخته شده است. علاوه بر این، تلاش شد تا لب و چکیده نقدهای مطرح شده، به نویسنده کتاب عرضه شود و پاسخ اجمالی گیرد. مهم‌ترین نکته در گفت‌گو با این نظریه‌پرداز عدالت، وی از سیمای کلی ضلع سوم ایده عدالت‌پژوهانه خود رونمایی کرد و پس از بررسی چیستی و چرایی عدالت اجتماعی در کتابش، اینک در «برداشت اول» از سرفصل‌های «چگونگی عدالت اجتماعی» گفت: ▶